توضیح و معرفی متدولوژی رمزگان پنج‌گانهٔ رولات بارت با نمونهٔ عملی از نمایشنامهٔ *فیزیکدانها* اثر فریدریش دورنمات *

**کامبیز صفیئی

***دکتر مسعود سلامی

چکیده

هدف اصلی این مقاله کاربرد رویکرد تحلیل متنی رولان بارت، اندیشمند فرانسوی، برای بررسی و نقد نمایشنامه فیزیکدانها، اثر فریدریش دورنمات است. این نوع از تحلیل در قالب تحلیل رمزگانی صورت می‌گیرد که در پنج دسته از سوی بارت تقسیم‌بندی شده‌اند. این رمزگان‌ها عبارتند از رمزگان هرمنوتیک یا معمایی که در پی معماهای متن هستند، رمزگان پروآیرتیک که مرتبط با پی‌رفت‌های روایت است، رمزگان نمادین که در تقابل-های دوتایی درون متن است، رمزگان فرهنگی که چارچوب کلی درک متن در زمینه آنرا فراهم می‌کند و رمزگان معنابنی که به دنبال واحدهای کمینه معنایی و معانی ضمنی آن می‌گردد. این رویکرد به ما کمک می-کند تا بفهمیم معنا چگونه در متن فراپاشیده و پراکنده می‌شود.

واژه های کلیدی: رمزگان، رولان بارت، فریدریش درونمات، فیزیکدانها.

---

* این مقاله مستخرج از رساله دوره دکتری می باشد که از حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی برخوردار بوده است.

** دانشجوی مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

*** استادیار گروه زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه ازاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت مقاله : ۹۰/۹/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله : ۹۱/۲/۲۶

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

فریدریش دورنمات[1](۱۹۲۱-۱۹۹۰) نویسنده و نمایشنامه‌نویس معروف و صاحب‌سبک سوئیسی یکی از بهترین نمایشنامه‌نویسان معاصر آلمانی زبان است؛ دورنمات در طول زندگی خود نمایشنامه‌های متعددی را به رشته تحریر درآورد که از جمله آنها می‌توان به «*شهر*[2]»، «*دیدار بانوی سالخورده*[3]»، «*کمدی تاریخی رمولوس کبیر*[4]»، «*فرشته‌ای به بابل می‌آید*[5]» اشاره کرد.

موضوع اصلی این مقاله تحلیل متنی *فیزیکدانها*[6] است. این نمایشنامه یکی از شاهکارهای هنری دورنمات است که می‌توان گفت وی به دلیل نوشتن آن یک شبه ره صدساله را پیمود. دورنمات در سال ۱۹۶۱ نگارش کمدی *فیزیکدانان* را به پایان برد. این نمایشنامه در بیستم فوریه سال بعد برای نخستین بار در شهر زوریخ به روی صحنه رفت. این نمایشنامه موقعیت دورنمات را به عنوان یک شخصیت هوشمند هنری امروز و یک نمایشنامه-نویس جهانی تثبیت کرد (رهنما،۱۳۵۷: ۲۳۳).

به طور کلی باید گفت که برخی افراد به مطالعه آثار دورنمات و تحلیل نمایشنامه‌های وی پرداخته‌اند. و تحلیل آنها از منظری ادبی پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به حدادی (۱۳۸۴) اشاره کرد؛ به گفته وی، هدف از نوشتن نمایش‌نامه توسط دورنمات، علاوه بر نشان دادن موقعیت انسان در عصر مدرنیته، طرح این سوال است که مسوولیت نمایشنامه‌نویس در برابر انسان در جامعه پر هرج و مرج و در هم ریخته امروزی چیست و در ضمن حقایق زندگانی و مشکلات جامعه مدرن را چگونه می‌توان در چارچوب نمایشنامه ارائه کرد. دورنمات برای نشان دادن موقعیت خطیر انسان در جهان مدرن و وضعیت نابه‌سامان او در نمایش‌نامه‌هایش نه از تراژدی که از نظر وی انسان را در حصار بی‌تفاوتی زندانی می‌کند، بلکه از کمدی بهر می‌گیرد. البته، منظور نوعی کمدی است که

[1] . Friedrich dürrenmatt
[2] .Die Stadt
[3] .Der Besuch der Alten Dame
[4] .Romulus Der Grosse
[5] .Ein Engel Kommt Nach Babylon
[6] .Die Physiker

Archive of SID

www.SID.ir

از مایه‌های تراژیک برخوردار باشد. برای دستیابی به چنین هدفی، از نظر دورنمات، کمدی-تراژدی مناسب‌ترین شیوه است (ص. ۳۵).

گرچه به شکل کلی نقدها و تحلیل‌های گوناگونی توسط افراد مختلف (برای نمونه، حدادی، ۱۳۸۴؛ رهنما، ۱۳۵۷) صورت گرفته است، اما هدف این مقاله تحلیل نظام‌مند این نمایش‌نامه بر اساس رویکرد تحلیل متنی رولان بارت است. این نوع تحلیل در قالب کشف و تحلیل معانی پنج نوع از رمزگان‌ها صورت می‌گیرد. ما در اینجا ضمن نگاهی کلی به رویکرد بارت، به تحلیل این نمایش‌نامه خواهیم پرداخت؛ هدف این مقاله این است که نشان دهد چگونه به شیوه‌ای نظام‌مند می‌توان یک «متن» را مورد تحلیل قرار داد و نیز نشان دادن این است که چگونه می‌توان روش معرفی شده توسط بارت را برای گونه‌های دیگری ادبی هم به کار برد. از سوی دیگر، یکی از اهداف فرعی این مقاله نشان دادن این موضوع است که شیوهٔ معرفی شده توسط بارت را-به منزلهٔ یک روش-شناسی-می‌توان در بافتارهای فرهنگی متفاوت به کار برد. این تحلیل نشان دهنده این است که چگونه می‌توان انواع گوناگون متون ادبی را با کابرد قواعد و اصول دقیق مورد تحلیل قرار داد. به عبارت دیگر، برای درک بهتر معناهای صریح و ضمنی یک متن باید آنرا از چشم‌اندازهای گوناگون مورد توجه قرار داد تا سطوح گوناگون معنایی آن آشکار شود.

چشم‌انداز کلی رویکرد فرهنگی بارت

چرخش از رویکردهای کلاسیک ادبی به تحلیل ساختارگرایانه و نشانه‌شناسانه مرهون افرادی همانند بارت است. به عبارت دیگر، گرچه در اصل دو سنت اصلی نشانه‌شناسی در موقعیت اجتماعی و فرهنگی مختلف توسط فردینان دو سوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷)-سمیولوژی- و نیز چارلز ساندرس پیرس (۱۹۱۴-۱۸۳۹)-سمیوتیکس-پایه-گذاری شد و افرادی همانند یلمزف (۱۸۹۹-۱۹۶۵) با تأسیس «مکتب کپنهاگ»، گرماس (۱۹۱۷-۱۹۹۲) با راه‌اندازی «مکتب نشانه‌شناسی پاریس» و یاکوبسن (۱۸۹۶-۱۹۸۲) از طریق مشارکت در شکل‌گیری «مکتب مسکو» و «مکتب پراگ» در بسط نشانه‌شناسی نقش داشتند اما حرکت نشانه‌شناسی در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ به

Archive of SID

www.SID.ir

سمت مطالعات فرهنگی تا حدی تحت تأثیر آثار نظریه‌پرداز فرهنگ فرانسوی یعنی رولان بارت بود که نقش زیادی در ایجاد نگاهی تازه به پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی بر جای گذاشت (چندلر، ۱۳۸۷).

این اندیشمند فرانسوی در طی حیات علمی خود تحلیل‌ها و نقدهای متعددی را بر پدیده‌های فرهنگی مختلف نوشت که با برخورداری از خصیصهٔ نوآوری، هم زوایه دید جدیدی را بنیان نهاد و هم سرمنشاء تحولاتی تازه در حوزه‌های گوناگون از ادبیات گرفته تا هنر و رسانه شد. اولین کتاب بارت به نام *درجه صفر نوشتار*[۷] در ۱۹۵۳ او را به عنوان یکی از مهم‌ترین منتقدان قرن بیستم مطرح ساخت. آثار دیگر او عبارتند از *میشله*[۸] (۱۹۵۴)، *اسطوره‌شناسی‌ها*[۹] (۱۹۵۷)، *دربارهٔ راسین*[۱۰] (۱۹۶۳)، *مقاله‌های نقادی*[۱۱] (۱۹۶۴)، *برج ایفل*[۱۲] و دیگر *اسطوره‌شناسی‌ها*[۱۳] (۱۹۶۴) و *امپراتوری نشانه‌ها*[۱۴] (۱۹۷۰) که در این آثار به ساختارگرایی و نشانه‌شناسی توجه بسیار شده است. او با نقدهای نشانه‌شناختی خود به تحلیل جوامع انسانی، پدیده فرهنگ روزمره مردم، تبلیغات، مد، اسطوره و دیگر مسائل مرتبط به زندگی مردم و نیز به تحلیل‌هایی انسان‌شناختی پرداخت. در اواخر زندگانی خود آثاری چون *مرگ مؤلف*[۱۵] (۱۹۶۹)، *از اثر به متن*[۱۶] (۱۹۷۱)، *لذت متن*[۱۷] (۱۹۷۳)، *نقد و حقیقت*[۱۸] (۱۹۶۶) و *اس/زد*[۱۹] (۱۹۷۰) را به نگارش درآورد.

گرچه سخن از بارت و نقش و جایگاه او در گشایش راه‌ها و ارائهٔ روش‌های نو برای تحلیل متون ادبی فراوان است، اما لزوماً شاید همین مقدار کفایت کند؛ در بخش بعدی مقاله به معرفی رمزگان معرفی شده توسط بارت خواهیم پرداخت.

---

[7] .Zero Degree Writing
[8] .Michelet
[9] .Mythologies
[10] .About Racine
[11] .Critical Essays
[12] .Eiffel Tower
[13] .Other Mythologies
[14] .Empire of Signs
[15] .Death of Author
[16] .From Work to Text
[17] .Pleasure of Text
[18] .Criticsm and Truth
[19] .S.Z

Archive of SID

www.SID.ir

بحث و بررسی: معرفی رمزگان پنج‌گانهٔ بارت

گرچه بارت در تحلیل ساختاری روایت‌ها، می‌خواست نشان دهد که نظام‌های زیرین، چگونه سبب ساخته شدن متن می‌شود، اما در رویکرد تحلیل متنی خود توجه خود را از این اصول کلی-که سبب شده بود تا معنای متون به حاشیه رانده شود- به این مسأله معطوف می‌کند که متون چگونه معنادار می‌شوند؛ به عبارت دیگر، وی از مسأله معنادهی[۲۰]که به معنای جستجو برای یافتن معنای ثابت نشانه است به معنازایی[۲۱]که طی آن معنا باید توسط خواننده خلق شود، حرکت می‌کند. معنای دیگر این امر، دست کشیدن از یافتن یک معنای نهایی و غایی به سوی زنجیره‌ای از دال‌ها یا حرکت از ساختارگرایی به سوی پساساختارگرایی است. بنابراین، گرچه بارت هنوز به کاوش در ساختار متعهد بود اما این نوع از تحلیل متنی در زمینه‌ای بینامتنی[۲۲] صورت می‌گرفت که به الزامات هیچ نظام محدودکننده‌ای پایبند نبود.

مهمترین اثر بارت در حوزه تحلیل متنی کتاب اس.زی[۲۳] است که نخستین بار در سال ۱۹۷۰ منتشر شد. در این کتاب شاهد حرکت از تحلیل ساختارگرایانه روایت‌ها به سوی متنی روایت‌ها هستیم. به نظر بارت، "تحلیل اول می‌خواهد نشان دهد که متن چگونه ساخته می‌شود اما تحلیل دوم «راه‌های معنا را در نوردیده، روالی را مورد کاوش قرار می‌دهد که معنا از آن طریق درون متن پراکنده می‌شود (به نقل از آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

کتاب اس.زی[۲۴] تحلیل داستان کوتاهی از بالزاک با عنوان *سارازین* است. سارازاین داستانی بیست‌وپنج صفحه‌ای است که در میان آثار بالزاک کمتر بحث شده است و در فضایی بین روابط پنهانی، ماجرای خنده‌دار نوعی بی-خبری و تحلیل روان‌شناختی توهمات عشق معلق می‌ماند (همان:۱۳۴).

گراهام آلن (۱۳۸۰) در *بینامتنیت*[۲۵] در توضیح این رویکرد جدید بارت در تحلیل متون ادبی می‌نویسد، بارت در تحلیل *سارازاین* بین متون خواندنی[۲۶] و نوشتنی[۲۷] تمایز قائل می‌شود. متن خواندنی معطوف به بازنمایی است و

---

[20] .signification
[21] .significance
[22]. intertextual
[23]. S.Z

[۲۴] . اس و زد دو حرف اول شخصیت‌های اصلی این داستان یعنی سارازین و زامبینلا (Zambinella) است.

Archive of SID

www.SID.ir

ارتباط نزدیکی با رمان واقع‌گرای سدهٔ نوزدهمی دارد و خواننده را به یک معنا رهنمون می‌کند. در این گونه از متون خواننده صرفاً موضعی نسبتاً منفعل دارد و وظیفه وی تنها پی‌گیری خط سیر داستان تا رسیدن به حقیقت است. متن‌های خواندنی ایدئولوژی‌ها و اسطوره‌های فرهنگی را تقویت می‌کنند. اما در مقابل، در متون نوشتنی هدف این نیست که خواننده صرفاً مصرف‌کننده باشد بلکه از او انتظار می‌روند که تولیدکننده نیز باشد. در این نوع متن است که از خواننده انتظار می‌رود تا به تولید خلاقانه دست بزند. در واقع هدف بارت، شوراندن ما علیه هر چیزی است که می‌خواهد ما را به یک حقیقت مطلق و نهایی هدایت کند.

بنابراین، از آنجا که بخش مهمی از کوشش بارت تلاش برای اسطوره‌زدایی و افشاء ماهیت اصلی پدیده‌هایی است که خود را امری طبیعی جلوه‌گر می‌سازند، این امر در مورد لانگ یا همان ساختار زیرین زبان نیز اتفاق می‌افتد. هدف بارت در تحلیل متنی، نشان دادن این است که لانگ خود چگونه کارکردی ایدئولوژیک می‌یابد و می‌کوشد این پندار در واقع نادرست را ایجاد کند که روایت می‌تواند معنایی غایی ایجاد کند.

بارت در این کتاب تحلیل فراگیری از رمزگان‌های دخیل به هنگام خواندن و تحلیل متن به دست می‌دهد که شامل ساختاربخشی قطعه قطعه یک روایت یا داستان است؛ وی این روایت را به ۵۶۱ واحد خوانش[۲۸] تبدیل می‌کند که عموماً اختیاری هستند و هر خواننده‌ای ممکن است واحدهای خوانش دیگری را کشف کند. به قول خود بارت این واحدهای خوانش یا خوانه‌ها صرفاً واحدها یا عناصری هستند که خواننده‌ای که فعالانه به فرآوری متن می‌پردازد، فراپاشی یا پراکندگی معنا را در آنها کشف می‌کند؛ در این واحدهای خوانش، مجموعه‌ای از دلالت‌های ضمنی مستمر در دال‌های گوناگون کشف می‌شوند. آنچه در نهایت این واحدهای خوانش پدید می-آورند انواع رمزگان است. بارت در تلاش برای درک اینکه معنا چگونه در متن آفریده و پراکنده می شود، پنج

---

[25]. *Intertextuality*
[26] .readerly
[27] .writerly
[28] .lexias

Archive of SID

www.SID.ir

رمزگان را مطرح کرده و به کار می‌گیرد. این رمزگان عبارتند از: رمزگان هرمنوتیکی[۲۹]، رمزگان پروآیرتیک[۳۰] یا کنشی، رمزگان معنابنی[۳۱]، رمزگان نمادین[۳۲] و رمزگان فرهنگی.

پیش از مفهوم‌پردازی این رمزها از منظر در ارتباط با معنای نشانه و رمز باید گفته شود که "معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. رمزگان چارچوبی به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند...تفسیر معانی مرسوم نشانه‌ها مستلزم آشنایی با مجموعه‌های مناسبی از قراردادها می‌باشد. رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌گردد" (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). از سوی دیگر باید اشاره کنیم که رمزگان نشان دهندهٔ بعد اجتماعی نشانه‌ها هستند. رمز مجموعه‌ای از فرایندها است که افرادی که در یک چارچوب فرهنگی عمل می‌کنند، قادر به درک آن هستند. بنابراین وقتی نشانه‌شناسان به مطالعهٔ فرایندهای فرهنگی می‌پردازند با کنش‌های معنادار اعضای یک فرهنگ به منزلهٔ نشانه رو به رو می‌شوند و تلاش می‌کنند تا در چارچوب نظام‌های دلالتی رمزها، فرایندهای تولید معنا در یک فرهنگ خاص را درک کنند (همان: ۲۲۳). به این ترتیب است که رابطهٔ میان نشانه‌ها و رمزگان مشخص می‌شود.

از میان این پنج رمزگان دو مورد اول به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود، که اینها شامل رمزگان هرمنوتیکی و رمزگان پروآیرتیکی هستند. سه رمزگان دیگر یعنی رمزگان نمادین، فرهنگی و رمزگان واحدهای کمینه معنایی ما را از مجموعهٔ حوادث و منطق روایی این داستان فراتر می‌برند.

پیش از آنکه به کاربرد عملی این رمزگان بپردازیم، باید گفت که مفهوم روایت در معنایی که مدنظر روایت‌شناسان و منقدان ادبی است، از داستان یا رمان فراتر می‌رود؛ همان‌گونه که فلادرنیک (۲۰۰۶: ۱) می‌گوید: "وقتی ما امروزه از روایت سخن می‌گوییم، به ناگزیر آنرا با نوع ادبی روایت یعنی رمان یا داستان پیوند می‌زنیم.

---

[29] .hermeneutic
[30] .proiretic
[31] .codes of semes
[32] .symbolic

Archive of SID

www.SID.ir

اما کلمه واژۀ روایت[۳۳] از فعل روایت کردن می‌آید. روایت در همه‌جا پیرامون ما قرار دارد و نه فقط در رمان یا نوشتار تاریخ. روایت، پیش از هرچیز با عمل روایت‌گری مرتبط است و هرجا که کسی دربارۀ چیزی به ما می-گوید، روایت یافت می‌شود". نظر به معنای فراگیر روایت در نظریه‌های اخیر و نیز مقصد بارت، به نظر می‌رسد که کاربرد این روش برای هر نوع نوشته و متن یا گونۀ ادبی خالی از اشکال باشد.

تحلیل نمایش‌نامه فیزیکدانها بر اساس رمزگان پنج‌گانۀ رولان بارت

در بخش بعد مقاله به طور تفصیلی به بیان دیدگاه بارت درباره این پنج رمزگان می‌پردازیم و آنها را مفهوم‌سازی می‌کنیم؛ سپس تلاش می‌کنیم تا به طور عملی با استفاده از آنها به تحلیل نمایش‌نامه فیزیکدانها بپردازیم.

رمزگان هرمنوتیک

هاوکس (۱۹۹۷) می‌گوید که رمزگان هرمنوتیکی "عبارت است از همه واحدهایی که نقش‌شان عبارت است از طرح پرسش، پاسخ به آن و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤالی را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند یا حتی چیستانی را مطرح کنند و ما را به سوی آن رهنمون سازند... این در واقع همان رمزگان داستان‌گویی است که به واسطه آن در روایت سؤالاتی به پیش افکنده می‌شود و تعلیق به وجود می آید و سرانجام به آن پاسخ داده می‌شود" (به نقل از سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). شاید انتخاب عنوان هرمنوتیکی برای این رمزگان چندان بی‌ربط هم نباشد و بنا بر شیوۀ خود بارت دلالتی ضمنی برای آن بتوان متصور شد. اگر یکی از معانی هرمنوتیک را تأویل در نظر بگیریم، هدف این نوع رمزگان، جلب توجه خواننده به پرسش‌ها و مسائل گوناگون به منظور اقدام به تفسیر آنها نیز می‌توان باشد. امری که حاکی از ایفای نقش کنش-گرتر خواننده و مشارکت وی در فهم دلالت‌های متن است.

[33]. narrative

Archive of SID

www.SID.ir

خود بارت (۱۹۷۰) می‌نویسد که "کارکرد این رمزگان تبیین گونه‌گون یک پرسش، پاسخ آن و انواع رخدادهای تصادفی است که با آنها می‌توان آن پرسش را مطرح کرده یا پاسخ آن‌را به تعویق انداخت؛ یا حتی معمایی مطرح کرد و راه‌حل آن‌را نشان داد" (به نقل از آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

به عبارت دیگر، ما می‌توانیم رمزگان هرمنوتیکی را به دلیل آنکه مستلزم طرح پرسش، پاسخ به آن یا تعویق پاسخ است، رمزگان چیستانی[۳۴] بنامیم. بنابراین، یک روایت شامل یک معمای اساس و کلی و نیز معماهای جزئی دیگر است که در طی روایت مطرح می‌شوند.

بارت (۱۹۷۰: ۲۱۵-۲۱۶) در رمزگان هرمنوتیکی، ده مرحله را به هنگام طرح و حل معما شناسایی کرده است که این مراحل عبارتند از:

۱. موضوعیت‌بخشی: در روایت چه چیزی یک معما است؟؛ ۲. موقعیت‌یابی: تصدیق‌های دیگر معما؛۳. فرمول-بندی معما؛ .۴ نوید پاسخ‌گویی به معما؛ ۵. فریب: پیش‌دستی برای دادن پاسخ درست؛ ۶. ابهام: آمیختگی فریب و حقیقت؛ ۷. انسداد: معما قابل حل نیست؛ ۸. پاسخ تعلیقی: توقف پاسخ‌گویی پس از آنکه این عمل آغاز شد؛ ۹. پاسخ جزئی: برخی از وجوه حقیقت آشکار می‌شود؛ ۱۰. افشاء حقیقت (به نقل از باومن، ۲۰۰۰: ۲۱).

باید توجه داشت که ممکن است که تمامی روایت‌ها، به طور طبیعی، از این فرم منطقی پیروی نکنند و برخی از این عناصر در برخی روایت‌ها موجود نباشد، با این همه، تلاش می‌کنیم با توجه به عناصری که در نمایش‌نامه فیزیکدان‌ها[۳۵] وجود دارد، به کنکاش در مراحل گوناگون این روایت کنیم.

همان‌گونه که گفته شد، مقصود از رمزگان هرمنوتیکی همان معماهای یک متن است. هر متنی یک معمای اصلی و تعدادی معمای فرعی می‌تواند داشته باشد. اگر به عنوان این نمایش‌نامه و نیز به فهرست اسامی شخصیت‌های داستان و نیز توضیحات مکان این نمایش نگاه کنیم، اولین معما در ذهن شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر هر کدام از اینها یک واحد خوانش هستند که بر چیزی یا چیستانی دلالت می‌کنند که در کنار یکدیگر یک

---

[34] .enigma

[۳۵] . مبنای تحلیل ما ترجمه‌ای است که توسط رضا کرم‌رضائی (۳۱۶-۱۳۸۹)، (بی.تا) صورت گرفته و سازمان فرهنگی و انتشاراتی ابتکار آنرا منتشر کرده است.

Archive of SID

www.SID.ir

چیستان را می‌سازند. مهمترین مساله‌ای که در ابتدای این نمایش‌نامه پرسش‌برانگیز است، به نام شخصیت‌های این داستان برمی‌گردد. آنچه در وهله اول جلب توجه می‌کند، نام بیماران است که عبارتند از ارنست هاینتریش ارنستی که درون پرانتز به نام اینشتین معرفی شده است و نیز فرد دیگری به نام هربرت جورج بویلتر با نام اختصاری نیوتن. در ابتدای پرده اول توصیفی از تالار یک آسایشگاه خصوصی ارائه می‌شود که خیلی زود مشخص می‌شود که اینجا در واقع یک تیمارستان است. دو فیزیکدان مشهور در تیمارستان به اندازه کافی سبب کنجکاوی می‌شود. در صفحات بعد کاراگاهی وارد صحنه می‌شود که به طور طبیعی دال بر این است که واقعه یا رویدادی در این بیمارستان روانی روی داده است. به طور معمول این امر حاکی از وقوع جنایتی در آسایشگاه روانی است که دو فیزیکدان مشهور و جهانی بیماران آن هستند. گرچه معمای اصلی این نمایش‌نامه این است که دو فیزیکدان، ظاهراً، که نام مستعار دو تن از بزرگترین دانشمندان عالم را بر خود نهاده‌اند، در بیمارستان روانی چه می‌کنند، اما اما معماهای فرعی دیگری نیز وجود دارد که هم رفته رفته از آنها رازگشایی می‌شود و هم اینکه در نهایت داستان با معمای اصلی پیوند می‌خورند. یکی از این معماهای فرعی، کشته شدن یکی از پرستاران این آسایشگاه به نام ایرنه اشتراوب توسط فیزیکدانی که نام اختصاری اینشتین را برای خود برگزیده به قتل رسیده است. در ادامه مشخص می‌شود که این دومین حادثه از این نوع است و سه ماه پیش نیز پرستار دیگری به نام دورتی موسر را فیزیکدان دیگری که خود را نیوتن می‌نامیده، کشته است. رفته رفته برخی از وجوه حقیقت آشکار می‌شود از جمله اینکه نیوتن وقتی از سوی کارآگاه در مورد علت اقدام به قتل مورد بازجویی قرار می‌گیرد، عنوان می‌کند که "اون عاشق من شده بود و من عاشق اون...وظیفه من اینه که به میدان جاذبه عمومی فکر کنم، نه اینکه عاشق زن‌ها بشم" (ص.۱۷). معما به نظر می‌رسد که رمزگشایی شده است؛ فیزیکدان مجنون با این توهم و تصور که پرستار عاشق وی شده و او نمی‌خواسته که عشق و عواقب آن مانع از پژوهش-های علمی‌اش شود، اقدام به از میان بردن وی می‌کند. اما در صفحات بعد فرضیه دیگری برای بیان علت قتل‌ها از سوی خانم دکتر قوزدار باکره‌ای که مسوول آسایشگاه است، بیان می‌شود. وی حدس می‌زند به علت آنکه هر دو این فیزیکدانان متخصص فیزیک هسته‌ای بوده‌اند و هر روی ماده رادیو اکتیو کار کرده بودند، تغییر مغزی

Archive of SID

www.SID.ir

ایجاد شده در اثر قرار گرفتن در معرض تشعشات این مواد سبب اقدام به جنابت شده است. اما فیزیکدان سومی به نام موبیوس، شخصیت اصلی نمایش، هست که او نیز اقدام به قتل پرستارش به نام مونیکا می‌کند. اما مساله اینجاست که وی با مواد رادیواکتیو سروکار نداشته است. مونیکا در ادامه نمایش‌نامه به موبیوس ابراز علاقه می-کند و می‌گوید: "من فقط خوب می‌دونم که شما بیمار نیستین. این رو حس می‌کنم" (ص.۵۲). مونیکا به موبیوس می‌گوید که عاشقش شده است و موبیوس با صدایی آهسته به او می‌گوید :"شما دارین قبر خودتون را می‌کنین" (ص.۵۳). تا اینجا تصور می‌شود که فیزیکدانان مشهوری که دچار بیماری روانی شده‌اند و یکی از آنها تصور می‌کند که اینشتین است و دیگری نیز بر این گمان است که نیوتن است، برای اینکه پرستاران به آنها ابراز عشق کرده‌اند و آنها نیز برای فرار از موانعی که عشق پیش پای اندیشمندان می‌گذارد و آنها را از پژوهش‌های علمی باز می‌دارد، مرتکب قتل آنها شده‌اند اما در بخش سوم و نهایی نمایش‌نامه است که حقایق دیگری کم‌کم برملاء می‌شود. این اتفاق زمانی روی می‌دهد که موبیوس، اینشتین و نیوتن که پس از کشته شدن پرستار مونیکا به گفتگو با یکدیگر می‌پردازند. نیوتن اعتراف می‌کند که "من حتی هربرت جورج بویلتر هم که اینها خیال می‌کنن، نیستم. اسم حقیقی من «کیلتون» است" (ص.۷۲). در واقع مشخص می‌شود که وی در اصل، آلک یاسپر کیلتون بنیانگذار نظریه تطبیقی است. علت حضور وی در اینجا این است که وی از طرف سازمان مخفی‌ای که برایش مشغول فعالیت است، ماموریت دارد تا به علت بیماری روانی موبیوس پی ببرد؛ فردی که به اعتقاد آنها بزرگترین فیلسوف تمام قرون است و گذشته از آن رساله دکتری وی اساس فیزیک جدید را بنیان نهاده است. از سوی دیگر او پرده از راز قتل پرستارش نیز بر می‌دارد و علت آنرا کشف راز دیوانه نبودنش از سوی او عنوان می‌کند. فیزیکدانی که خود را اینشتین نامیده بود اذعان می‌کند که او نیز عضو یک سازمان مخفی دیگر و نام حقیقی‌اش جوزف ایسلر، کاشف توان ایسلر است. وی نیز پرستارش را به علت مشابهی به قتل رسانده است. مشخص می‌شود که موبیوس برای جلوگیری از دست یافتن قدرت‌های جهانی به دانش وی که نتیجه‌اش ممکن است نابودکننده و ویرانگر باشد خود را به دیوانگی زده است. زیرا مسائلی همچون مسوولیت و اخلاق علمی او را به این نتیجه رسانده تا مانع از نابودی جهان توسط دانشی باشد که او به آن دست یافته است. به نظر

Archive of SID

www.SID.ir

می‌رسد که معما دیگر گشوده شده است اما در نهایت حادثه دیگری روی می‌دهد و مشخص می‌شود که مسوول تیمارستان که در ظاهر یک پزشک معمولی بوده است و وانمود می‌کرده که حوادث واقع در آسایشگاه روانی تنها حاصل عملکرد فیزیکدانانی است که دچار جنون شده‌اند، در واقع از هویت واقعی این دانشمندان آگاه بوده است. روان‌پزشک اذعان می‌کند که هدف وی از نگهداری این فیزیکدانان در واقع استفاده از دانش و اندیشه آنها بوده است. گرچه موبیوس تصور می‌کند که با سوزاندن رساله‌اش زمینه سوءاستفاده صاحبان قدرت و ثروت را از بین برده اما خانم دکتر رونوشتی از این نوشته را پیش از سوزاندن تهیه کرده است. دکتر پیردختر کوژپشت می‌گوید که از راه کشف‌های علمی موبیوس "کنسرسیوم من فرمانروا خواهد شد، کشورها و قاره‌ها را فتح می‌کنه، منظومه شمسی رو استخراج می‌کنه و به سوی دورترین کرات پیش می‌ره. تمام حساب‌ها شده، نه به نفع دنیا، بلکه به نفع یک پیردختر گوژپشت (ص.۹۹).

به این ترتیب مشخص می‌شود که گرچه موبیوس تصور می‌کرده است که با وانمود کردن به دیوانگی توانسته از سوء استفاده از دانش و کشفیاتش جلوگیری کند اما در واقع، خانم دکتر مسوول تیمارستان زمینه را به گونه‌ای آماده کرده که در نهایت بتواند از ابداعات علمی وی در جهت رسیدن به مقاصد مادی‌اش استفاده کند.

رمزگان پروآیرتیک

این نوع رمزگان معطوف به کنش‌ها و اثرات آنها است. به عبارت دیگر رمزگان پروآیرتیک نشانگر مجموعه‌ای از کنش‌ها یا توالی‌های کوچکی است که کل روایت را پیش می‌برد. همان‌گونه که سجودی (۱۳۸۷: ۱۵۶) می‌گوید: "این رمزگان با زنجیرهٔ رویدادها سروکار دارد که در جریان خواندن یا گردآوردن اطلاعاتی که روایت به ما می-دهد، ثبت می‌شود و نامی به خود می‌گیرد، مثلاً ما می‌گوییم صحنه مربوط به قتل، صحنه دستگیری و غیره". از سوی می‌توان گفت که رمزگان پروآیرتیک از جهات بسیاری مشابه سطح کنش‌هایی است که بارت در تحلیل ساختاری روایت‌ها آنها را مفهوم‌پردازی می‌کند. این رمزگان مربوط به کنش‌ها و اثرات آنها است (آلن، ۱۳۸۵). به طور خلاصه می‌توانیم رمزگان پروآیرتیک را رمزگان کنشی نیز بنامیم.

Archive of SID

www.SID.ir

باید به این نکته توجه داشته باشیم که هنگام تحلیل نمایش‌نامه به مثابه یک روایت ما آنرا مجموعه‌ای از توالی‌ها در نظر می‌گیریم که هر یک را می‌توان به منزله یکی از رمزگان کنشی به شمار آورد. در نمایش‌نامه مورد بحث ما، این پی‌رفت‌ها یا کنش‌ها را ما از طریق اطلاق نامی به آنها، همان‌گونه که بارت می‌خواهد، شناسایی می‌کنیم. این مسوولیت بر عهده خواننده متن است که بر اساس رویدادها، حرکت‌ها و فعالیت‌ها یک کنش یا توالی متمایز را بیابد و نامگذاری کند. پی‌رفت‌های *فیزیکدانها* عبارتند از: ۱. *صحنه‌پردازی* که در ضمن آن درباره شخصیت‌ها، موقعیت و مکان وقوع رویداد و نیز نحوه چینش عناصر یک نمایش اطلاعاتی کسب می‌کنیم. در واقع در قالب این نوع رمزگان است که مخاطب یا تماشاگر در حال و هوای وقوع رویداد قرار می‌گیرد؛ ۲. *بازپرسی* (در تالار تیمارستان) که در ضمن آن ما در جریان قتلی که اخیراً در این آسایشگاه روانی روی داده است، قرار می‌گیریم. در جریان همین پی‌رفت است که ما از وقوع قتلی مشابه قرار می‌گیریم و اطلاعاتی درباره شخصیت سه فیزیکدان که در اینجا زندگی می‌کنند قرار می‌گیریم. ؛ ۳. *ملاقات* که طی موبیوس به عنوان شخصیت اصلی نمایش با همسر سابق و فرزندانش دیدار می‌کند؛ ۴. *قتل* که طی آن موبیوس پرستاری را که به وی ابراز علاقه کرده است، می‌کشد؛ ۵. *بازپرسی دوم*، که کارآگاه مجدداً برای بررسی قتل اخیر وارد آسایشگاه می‌شود؛ ۶. *گفت و گو* بین فیزیکدانها که طی آن بخش عمده‌ای از انگیزه‌ها و دلایل حضور آنها در این مکان مشخص می‌شود؛ ۷. *گشایش یا فرجام* که بخش نهایی این نمایش است و طی آن مشخص می‌شود که هدف از تاسیس این آسایشگاه در واقع دستیابی به دستاورهای علمی فیزیکدانان توسط مسوول آسایشگاه روانی است.

شاید این توالی‌های هفت‌گانه را به خرده‌توالی‌های دیگری نیز تقسیم کرد اما به هر حال به نظر می‌رسد که پی-رفت‌های کلی «فیزیکدانها» خارج از این ده پی‌رفت نباشد. کارکرد این دو رمزگان یعنی رمزگان هرمنوتیکی و پروآیرتیک در خدمت فرم روایی هستند و سبب حرکت از نقطه‌ای به دیگر می‌شوند؛ سه رمزگان دیگر که در ادامه بحث می‌شوند هستند که بر با تکیه عبور از سطح روایت به لایه‌های درونی آن، اکتشاف معانی مستتر را میسر و به ادراک آنها کمک می‌کنند. نخستین آنها رمزگان معنابنی است.

رمزگان معنابنی

Archive of SID

www.SID.ir

پیش از آنکه به تحلیل وجود این رمزگان در فیزیکدانها بپردازیم، برای روشن شدن مفهوم رمزگان معنابنی، آنرا به اختصار توضیح می‌دهیم. مقصود از آن، رمزگان‌های معناهای ضمنی است و به همه دلالت‌های ضمنی مربوط می‌شود که خصوصیت‌های شخصیت‌ها یا کنش‌ها را می‌سازد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). به عبارت دیگر، این رمزگان دلالت‌های شخصیت، مکان یا یک شیء است (راغب، ۱۳۸۷: ۲۰). یعنی شیوه‌ای است که مخاطبان معناها را بر اساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج می‌کنند. برای مثال در رمان سارازین جمله "ساعت الیزه-بوربون تازه به صدا در آمده بود و فرا رسیدن نیمه شب را اعلام کرده بود" که به طور ضمنی نشان‌دهندۀ ثروت بادآورده و ناسالم است. برگزاری یک میهمانی بزرگ، تصویر تابلوی تندیس در فرهنگ فرانسوی نشان‌دهندۀ مفهوم ضمنی ثروت است (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

به نظر می‌رسد مقصود بارت از رمزگان معنابنی همان دال‌ها هستند. البته، مقصود از دال در سطح دلالت دلالت ضمنی است و نه صریح. بدین ترتیب، برای خوانش یک متن، کنکاش در مجموعه‌ای از واحدهای کوچک معنایی که به طور ضمنی بر چیز، شخصیت یا مکانی دلالت می‌کنند، ضروری است. هر چند که با توجه به حجم مقاله امکان اینکه تمام واحدهای معنایی استخراج و عرضه شوند وجود ندارد، با این همه آن دسته از دال‌هایی که به درک مقصود اصلی نمایش به ما کمک کنند ضروری است. برای این کار ما بر اساس روش نشانه‌شناسی به تقابل‌های دوتایی متن نیز توجه خواهیم کرد. از جمله واحدهای کمینه معنایی اصلی این نمایش خود عنوان دانش فیزیک و فیزیکدان است. فیزیک به منزله یکی از علوم طبیعی، بر اساس تعریف متداول از علم، در زمره یکی از تجربی‌ترین علوم است که مبتنی بر تجربه و آزمایش است و کاملاً از منظر ارزشی خنثی است. بنابراین، در اندیشه غربی، پذیرفته‌ترین نوع علم است. علم فیزیک کاملاً در خدمت رشد و توسعه بشر است و بر اساس دکترین ماکیاولی در علوم سیاسی که طبق آن هدف وسیله را توجیه می‌کند، هرکس که آنرا در اختیار داشته باشد می‌تواند از آن در جهت منافع خود استفاده کند. یکی دیگر از دال‌های کلیدی این نمایش آسایشگاه روانی یا تیمارستان است که در مقابل جهان زیسته دانایان قرار می‌گیرد. تیمارستان دال بر مکانی دارد که افرادی که توانایی ارتباط متعارف با خود و جامعه را از دست داده‌اند، در آن گنجانده می‌شوند. خانم دکتر مسوول آسایشگاه

Archive of SID

www.SID.ir

روانی نیز در این داستان یک دال کلیدی است. تصویری که از این زن ارائه می‌شود عبارتست از یک پیردختر گوژپشت که این نوع تصویرسازی از افراد متول و ثروتمند در ادبیات غربی جایگاه ویژه‌ای دارد و داستان‌های گوناگونی وجود دارد که از جمله می‌توان به گوژپشت نتردام اشاره کرد. به نظر می‌رسد که گوژدار بودن این زن در این بافتار دال بر کسب قدرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی است؛ به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت که این زن به دلیل این نقص احتمالاً مادرزادی از مواهبت بسیاری از جمله ازدواج محروم شده است و این محرومیت در روح و روان آن زن سبب ایجاد عقدهٔ روانی شده است. وی در ناخودآگاه خود، احساس کمبود می‌کند و می‌کوشد از طریق کسب پول و ثروت و در نتیجه قدرت آنرا جبران کند.

غیر از موبیوس فیزیکدان دو فیزیکدان دیگر وجود دارند که در نهایت مشخص می‌شود که آنها در اصل نمایندگان سازمان‌های مخفی جهانی برای وادار کردن موبیوس برای در اختیار گذاشتن دانشش است. این دو به نوعی قدرت‌های دو بلوک شرق و غرب را در زمان جنگ سرد نمایندگی می‌کنند. عشق و کردار عاشق شدن نیز که میان پرستاران و فیزیکدانان اتفاق می‌افتد نیز نقشی تعیین کننده در معنادار کردن این نمایش بر عهده دارند. عشق به طور طبیعی در مقابل قدرت‌طلبی، ثروت‌جویی و اهداف و مقاصد مادی قرار می‌گیرد اما در نهایت مشخص می‌شود که توان مواج با قدرت و ثروت را ندارد و این عشق است که بارها قربانی می‌شود و معشوقه‌ها در مسلخ عشق جان می‌سپارند. سلیمان نبی نیز در این نمایش حضور دارد؛ هرچند که حضور وی تنها از مسیر توهمات موبیوس است. سلیمان به طور اسطوره‌ای نماد قدرت و ثروت است زیرا بنا بر روایات دینی، سلیمان یکی از نیرومندترین انسان‌ها و پیامبران عصر خود بود که عنان و اختیار تمامی موجودات زمینی را از طرف خداوند دریافت کرده بود.

به طبع، دال‌ها یا واحدهای کمینه معنایی فراوان دیگری را می‌توان با توجه به هدف تحلیلی هر متن کشف و معناهای ضمنی آنرا توضیح داد اما به نظر می‌رسد همین تعداد از مفاهیم و نیز رمزگان نمادینی که در بخش بعد ذکر می‌شوند به ما در درک معنای کلی نمایش یاری برسانند و کفایت کنند.

Archive of SID

www.SID.ir

رمزگان نمادین

به طور ساده عبارت است از این است که چگونه یک متن چگونه در قالب تقابل‌های دوگانه سامان می‌یابد. بنابراین در قالب در این رمزگان ما باید به دنبال مجموعه ای از جفت های متضاد دوقطبی بگردیم که به متن معنا می‌دهند. به بیان دیگر، رمزگان نمادین به الگوهای تضاد و تقابلی اشاره می‌کند که در یک متن قابل مشاهده است. برای مثال، در داستان سارازین، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از آن به تضاد نمادین میان دو جنس اشاره دارد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). بنابراین، می‌توان رمزگان نمادین را رمزگان تقابل‌های دوتایی نیز نامید که در مفهوم‌سازی‌های صورت گرفته از معنای نشانه‌ها، یکی از مکان‌های محوری را اشغال می‌کند. بهترین روش در قالب این رمزگان این است که مجموعه یا فهرستی از تقابل‌ها را تهیه کنیم و سپس توضیح دهیم که این تضادها چه چیزی را در متن آشکار می‌کنند.

تقابل‌های دوتایی در «فیزیکدانها»

جهان بیرون	آسایشگاه روانی	آزادی	در بند بودن
مرد	زن	دانش	اخلاق
دانش	قدرت	تعهد	عدم تعهد
عشق	نفرت	کاراگاه	قاتل
مسوولیت	عدم مسوولیت	ثروت	علم و دانش
اخلاق	بی‌اخلاقی	سود	عدم منفعت
سلامت روانی	دیوانگی	رفاه	دشواری

این ۱۶ جفت مفهوم متضاد عمده‌ترین تقابل‌های دوتایی این متن فرهنگی محسوب می‌شوند. گرچه ممکن است تقابل‌های دیگری نیز در این نمایش یافت شوند اما به نظر می‌رسد از همین تقابل‌های موجود نیز معانی جالب توجهی بتوان استخراج کرد. درک معنای کلی رمزگان معنابنی و رمزگان نمادین در بافتار خاص آنها امکان‌پذیر که در موضوع بحث رمزگان فرهنگی است.

Archive of SID

www.SID.ir

رمزگان فرهنگی

به طور کلی این نوع رمزگان به دانش پیشین در یک بافتار خاص اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، مجرای ارجاع متن به بیرون است. به این دلیل رمزگان ارجاعی نیز نامیده شده است. رمزگان فرهنگی به نوعی قلمرو اسطوره-شناسی و ایدئولوژی است.

بارت یادآور می‌شود که همهٔ رمزگان‌ها از یک نظر فرهنگی‌اند اما منظور وی از رمزگان فرهنگی، رمزگان‌هایی است که "اساس یک گفتمان را در مرجعیتی علمی یا اخلاقی استوار می‌کنند" (به نقل از آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۸). رمزگان فرهنگی به نوعی معادل سطح روایت یعنی سومین سطح تحلیل روایت است که معنایی گفتمانی دارد وی یا به عبارت دیگر، چارچوب ارجاعی است که رمزگان دیگر در قالب آن فهم‌پذیر می‌شوند. از این رو، برای درک معنای رمزگان‌های دیگر، باید آنها در قالب این رمزگان کلی که عبارتست از بافتار خاص فرهنگی-اجتماعی سامان دهیم و معناکاوی کنیم.

بنابراین، با ملاحظه نشانه‌ها و دال‌هایی که در قالب رمزگان نمادین و معنابنی استخراج کردیم باید بگوییم که این نمایش‌نامه حاوی تقابل دانشمند مسوول و متعهد، قدرت‌های جهانی که در پی استفاده از دانش و یافته‌های علمی برای بسط سلطه خود هستند و نیز نظام سرمایه‌داری است که غایت نهایی آن کسب سود است. دانشمندی جهانی که همگان وی را بزرگترین فیزیکدان عصر حاضر به شمار می‌آورند که استحقاق دریافت جایزه نوبل را دارد، به دلیل احساس مسوولیت در برابر بشریت و ترس از اینکه دانش تولیدی وی در برای هدف-های ضد بشری و محیط زیستی قرار نگیرد، ناچار تنها راهی که به نظرش می‌رسد، وانمود کردن به دیوانگی است. در واقع آنچه که تحت عنوان اخلاق تکنولوژی از آن یاد می‌شود، ناظر به همین مسوولیت علم و فناوری در قبال بشریت است. اینکه آیا علم کاملاً خنثی است یا باید در برابر دگرگونی‌هایی که پدید می‌آورد و سوء استفاده‌هایی که از آن می‌شود، احساس مسوولیت کند. اما در ادامه نمایش مشخص می‌شود که این راهکار یعنی وانمود کردن به دیوانگی، ساده‌اندیشی کودکانه و کج‌خیالی بوده است زیرا سازمان‌های مخفی که فیزیکدانانی با نام استعاری نیوتن و اینشتین آنها را نمایندگی می‌کنند در پی آن هستند تا به هر نحو ممکن علم فیزیک را در

Archive of SID

www.SID.ir

اختیار خود قرار دهند. با توجه به زمان نگارش این نمایش‌نامه این دو در واقع، به نظر می‌رسد، که نمایندگان دو قدرت جهانی در آن عصر یعنی نظام‌های شرق و غرب هستند. این دو به راز موبیوس پی برده‌اند و تلاش می-کنند تا به هر نحو ممکن دانش و مهارت وی را در اختیار بگیرند. گرچه دورنمات در نهایت از ارائه‌حل نهایی بنا به شیوه خودش خودداری می‌کند اما آنچه که درونمات در نهای می‌خواهد عنوان کند این است که در نظام سرمایه‌داری، اخلاق و مسوولیت در قبال محیط زیست و بشریت، افسانه‌ای بیش نیست و این نظام برای رسیدن به آمال خود از تمامی تمهیدات ممکن بهره می‌گیرد و اخلاق‌مداری دانشمندان عمده‌ترین مانع بر سر نیل به این مقصود است و به هر نحو ممکن باید از آن رهایی یافت.

نتیجه‌گیری

کاوش و کنکاش در معنای این نمایش‌نامه به کمک رمزگان پنجگانهٔ بارت صورت گرفت. الگویی که بارت پس از تحلیل مفصل یکی از داستان‌های کوتاه بالزاک به دست داده است. همانطور که بحث شد دو رمزگان اول شامل رمزگان هرمنوتیک یا معمایی و رمزگان پروآیرتیک یا کنشی بیانگر فرم روایی یک روایت هستند اما سه رمزگان دیگر یعنی رمزگان‌های معنابنی، نمادین و فرهنگی برای ادراک معانی ضمنی یک متن کاربرد دارند. باید توجه داشت که رمزگان‌های معنابنی یا دلالت‌های ضمنی متن و رمزگان نمادین یا تقابل‌های دوتایی تنها با صعود به رمزگان آخر یعنی رمزگان فرهنگی قابل فهم هستند. رمزگان فرهنگی یا ارجاعی به منزلهٔ یک بافتار فرهنگی یا کلان رمزگان به رمزگان‌های دیگر متن معنا می‌بخشند. بنابراین، اگر ما بخواهیم یک متن همچون یک نمایش-نامه را رمزگشایی کنیم، در ابتدا باید واحدهای کمینه معنایی و نیز تقابل‌های دوتایی که از عوامل عمده معنامند کردن متن هستند را استخراج کنیم سپس با قرار دادن آنها در بافتار گسترده‌تر اجتماعی‌شان، دلالت‌های ضمنی آنها را درک و استنباط کنیم.

Archive of SID

www.SID.ir

کتابنامه

۱. آلن، گراهام، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز،تهران، ۱۳۸۹ش.

۲. آلن، گراهام، *رولان بارت*، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز، تهران ، ۱۳۸۵ش.

۳. بارت، رولان، *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*، ترجمه محمد راغب، فرهنگ صبا، تهران، ۱۳۸۷ش.

۴. تورج، رهنما، *برشت، فریش، دورنمات*، انتشارات توس،تهران، ۱۳۵۷ش.

۵. چندلر، دانیل، *مبانی نشانه‌شناسی*،ترجمه مهدی پارسا، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۷ش.

۶. حدادی، محمد حسین، *کمدی- تراژدی در نمایش‌نامه فیزیکدانان*، پژوهش زبان‌های خارجی، نشریه (علمی-پژوهشی) دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران، شماره ۲۵.

۷. دورنمات، فردریک، *فیزیکدانها*، ترجمه رضا کرم رضائی، ابتکار، تهران، بی تا

۸. سجودی، فرزان، *نشانه‌شناسی کاربردی*، نشر علم، تهران، ۱۳۸۷ش.

Bibliography

10. Bowman, Peter James. 2000. *Theodor Fontane's Cécille: An Allegory of Reading*.German Life and Letters 53:1 January.

11. Fludernik, Monika. *An Introduction to Narratology*. Routledge, 2006

Archive of SID

www.SID.ir